

طرح تئوری‌های توطئه در قبال کشور عزیز ما افغانستان رهبران سیاسی و چگونگی تقابل علیه عوامل بیرونی توسل رهبرزادگان امروز با فضای متفاوت دیروز

شیخ‌های کندهاری و مشخصه تعامل سازمان یافته با حاکمان کابل
چگونگی ونحوه نفوذ عمیق اسلام آباد در تحولات منطقوی
تغییر معادلات قدرت و چگونگی سهمگیری پاکستان
ضرورت حمایت از ننداهای خردمندان و واقع‌نگر

تئوری‌های توطئه توضیحاتی هستند که بجای روایت‌های رسمی و متعارف، یک توطئه یا گروه مخفی را بمثابة عامل اصلی یک رویداد یا پدیده معرفی می‌نمایند. این تئوری‌ها معمولاً ادعاهای غیرمعمول و بعضاً اغراق‌آمیز دارند. اغلب با شواهد و مدارک کافی پشتیبانی نمی‌شوند. عبارت دیگر، تئوری‌های توطئه مجموعه‌ای از باورها و ادعاهایی اطلاق می‌گردد که معتقدند یک رویداد یا پدیده توسط یک گروه یا سازمان مخفی و بمنظور نایل گردیدن به هدف خاصی هدایت می‌گردند. این تئوری‌ها معمولاً توضیحات رسمی و متعارف را رد نموده و بدنبال تفسیرهای جایگزین و غیرمتعارف بوده که ویژگی‌های ذیل را دارا می‌باشند: رد توضیحات رسمی، وجود یک گروه مخفی، هدف خاص، عدم وجود شواهد کافی، باور پذیری. دلایل گرایش به تئوری‌های توطئه را ذیلین بر می‌شمارند: نیاز به کنترل، تعریف حس تعلق، بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی، توضیحی برای رویدادهای پیچیده و تأثیرشک‌های اجتماعی. در باره اثرات و عواقب تئوری‌های توطئه چنین می‌خوانیم: آسیب‌های روانی، آسیب‌های اجتماعی، کاهش اعتماد به نهادهای رسمی، پیامدهای منفی برای سلامت عمومی و تقویت افراط‌گرایی، مانع پیشرفت و بخطر انداختن سلامت. نمونه‌های تئوری‌های توطئه بقرار ذیل می‌باشد: تئوری‌های غیرکروی بودن زمین، تئوری ۱۱ سپتامبر، تئوری واکسیناسیون و تئوری تغییرات اقلیمی. تئوری‌های توطئه پدیده‌های فراگیر بوده که می‌توانند تأثیرات منفی بر فرد و جامعه داشته باشند. شناخت این تئوری‌ها و دلایل گرایش بآنها می‌تواند با افراد کمک نماید تا در برابر این باورها آگاهانه تر عمل نموده و از تأثیرات منفی آن در امان بمانند. تئوری‌های توطئه یا توهم توطئه یکی از تئوری‌های مطرح در بین نظریه پردازان و تحلیل‌گران سیاسی می‌باشد که علاوه بر رواج در بین بسیاری از سیاستمداران و صاحبان قدرت، بسیاری از افراد جامعه آنرا بکار می‌گیرند.

مسائل و موضوعات مورد بحث کنونی را از اینجا می‌آغازیم که در امتداد سالروان، باتوجه به معضلات و پیچیدگی‌های مربوط با استقرار کامل حاکمیت "طالب"ها، ستراتیژیست‌ها به مطالعه، تحلیل و بررسی اوضاع کشور عزیز ما افغانستان همچنان ادامه خواهند داد. بخش‌ها و عرصه‌های مورد نظر را ممکن "کمک‌های بشردوستانه" و در عین زمان جستجوی راه‌های امکان پذیر بمنظور انجام تعاملاتی با حاکمیت کنونی در میهن ما تشکیل دهد. در نیشته حاضر، برخی از جنبه‌های احتمالی بگونه ذیل مطرح بحث قرار داده شده است: امنیت: ارزیابی و مطالعه خطراتی در منطقه و تهدیدهای ناشی از آن برای کشورهای همجوار میهن عزیز ما بمفهوم محدود کلمه و برای دول کشورهای آسیای مرکزی بمفهوم وسیع کلمه؛ وضعیت بشردوستانه: تجزیه و تحلیل نیازمندی‌های اساسی شهروندان کشور، از جمله غذا، صحت، آموزش و همچنان ارزیابی اثربخشی کمک‌ها و معاونت‌های بشردوستانه؛ تعامل با "طالب"ها: تعریف شرایط و وضعیتی که ایالات متحده می‌تواند بر بنیاد آن با "طالب"ها تعامل نماید، از جمله مسایل مربوط به برسمیت شناختن "طالب"ها و ارائه کمک‌های اقتصادی؛ امنیت منطقوی: تحلیل و بررسی اثرگذاری وضعیت کشور ما بر مجموع امنیت منطقه از جمله مسایل مربوط به چگونگی تعامل با کشورهای همجوار از جمله با پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی. با توجه بشرايط و اوضاع منطقه، احتمالاً ایالات متحده با ارزیابی ستراتیژی‌هایش، بویژه در مورد چگونگی دستیابی بمانافع ملی آنکشور در میهن عزیز ما مانند گذشته ادامه خواهد داد. همچنین ادعا می‌گردد که واشنگتن

به تدوین ستراتیژی های سه گانه ای در مورد کشور عزیز ما همت گماشته است. اما قبل از همه بخاطر باید داشت کاصل احیای توافقات کابل - واشنگتن، بویژه در مورد منابع طبیعی کشور عزیز ما، بخودی خود، نمونه ای از یک مدل استعمار جدیدی از حکومتداری در کشور عزیز ما بحساب می آید. قابل یاد دهنی پندا شته میشود که بویژه با ورود و جابجایی تیم مربوط به دونالد ترامپ پکاخ سپید، زمزمه هایی هم در داخل افغانستان و هم در کشورهای همجوار میهن ما وحتا در کل منطقه در مورد احیای سیاست ایالات متحده در قبال کشور ما بگو ش می رسد. در وضعیت اینچنینی، تغییر احتمالی ستراتیژی ایالات متحده درباره کشور عزیز ما در دستور کار اداره واشنگتن قرار داده شده است.

بنظر می رسد، چنانچه واشنگتن در صدد حل و فصل صلح آمیز بحران موجود در اکرانین می باشد، ممکن عین موضعگیری در قبال اوضاع در کشور ما را نیز پیشه نماید. قابل یاد دهنی پنداشته میشود که حتا قبل از بقدرت رسیدن مجدد دونالد ترامپ، بسیاری از دست اندرکاران سیاسی، در مورد تغییر مسیر و چگونگی موضعگیری های واشنگتن بویژه در قبال افغانستان و حاکمیت کنونی در کشور ما، گفت و شنودها و بحث هایی را بره انداختند. در امتداد چهار ماه پسین، انتظارات و آرزومندی ها بواقعیت پیوست. برخی از افراد و اشخاص علاقمند بمسایل و واقعات کشور ما و بویژه عده ای از مقامات ورده های بالایی حاکمیت "طالب" ها با انجام مکالمات خصوصی و بکارگیری از طرز و نحوه بیان و چگونگی بیان مسایل، چنین ادعا میورزند که با بقدرت رسیدن مجدد دونالد ترامپ، سیاست و نوع پالیسی آنکشور در مورد افغانستان، دستخوش تغییراتی خواهد گردید که می توان حدوث حادثه اینچنینی را الی نیمه دوم سال روان انتظار برد. آنها تکوین تغییرات مورد بحث را بویژه با چگونگی حل و فصل درگیری های مسلحانه در اکرانین مرتبط می پندارند.

نباید فراموش نمود که دست اندرکاران سیاسی در کشور، بدلائیل بیشماری، انتظار تحول و تغییر در چگونگی ستراتیژی واشنگتن، بویژه در امتداد زمانی شش ماه پیشرو را داشته و اما در مورد اینکه تغییرات یاد شده بر چه سبک و منوالی خواهد بود، از اظهار نظر در مورد، بگونه کاملی خودداری بعمل می آورند. با وجود اینهمه، گزینه های اصلی سه گانه ستراتیژی جدید واشنگتن در قبال کشور عزیز ما و حاکمیت موجود در سرزمین و اراضی میهن ما را چنین پیشبینی می نمایند:

هوآداران و طرفداران گزینه نخست چنین می پندارند که اداره واشنگتن با انجام تلاش هایی در صدد آن می باشد تا امکانات و ظرفیت های فراهم نمودن تغییر رژیم کنونی در کشور ما را بیش از هر زمان دیگر افزایش بخشد و از جانب دیگر نظارت اداره یاد شده بر اوضاع کنونی موجود و چگونگی سیر حوادث در کشور ما را همچنان حفظ نماید. پیشبینی ها و حدس و گمان هایی نیز موجود می باشد که ممکن در وضعیت اینچنینی، ایالات متحده بنحوی از انحا و بشکلی از اشکال، زمینه های کنار رفتن هیبت الله آخوند زاده را از قدرت فراهم نموده و فرد مطلوبی برای واشنگتن را در رأس رهبری و زعامت "طالب" ها قرار دهد.

در مورد جاگزینی بالقوه هیبت الله آخوند زاده با نامزد قابل پذیرش ایالات متحده، زمزمه های بگوش می رسد، این اولن؛

بر بنیاد اظهار نظر هایی در داخل کشور، ستراتیژی بعدی و گزینه احتمالی دیگری از جانب ایالات متحده، از یکجانب بر تقویت و تداوم تحریم های اقتصادی و سیاسی علیه حاکمیت کنونی در کشور و از جانب دیگر حمایت و پشتیبانی از دسته بندی ها و گروه بندی های مخالف در تبعید اجباری و ناخواسته مبتنی خواهد بود. در وضعیت اینچنینی و با تکیه بر سیر حوادث یاد شده، امریکایی ها در امر برچیدن بساط رژیم کنونی "طالب" ها در کشور و همزمان و همردیف با آن، حمایت و جانبداری از یک برنامه دولتی جدیدی که در آن برخی از جناحهای میانه رو "طالب" ها قادر گردند در جایگاه برابر با سایر گروه های سیاسی کشور سهیم گردیده و در اداره رهبری کشور اشتراک ورزند. بر بنیاد اطلاعات موجود، در امتداد ماه های پسین، امریکایی ها با سیاستمداران مختلف افغان در ترکیه، امارات متحده عربی و در برخی از کشورهای اروپایی مشوره های محرمانه ای را سازماندهی نموده و در مورد پیشنهادات و چگونگی موضعگیری های آنها درباره دورنمای سیاسی کشور بحث و تبادل نظر نمودند. در مورد چگونگی پذیرش ایده های یاد شده توسط سیاسیون در تبعید و مهاجر کشور، بمشکل بتوان اظهار نظر نمود. با وجود اینهمه، توجه نشان داده شده توسط برخی از دست اندرکاران مسایل مربوط بکشور عزیز ما و لحن کاملن محرمانه و سری مکالمات و گفتگوهای طرف ها بآنها کمک خواهد نمود تا حلقه و دایره دوستان و همدستان افغان خویش را بیش از پیش وسعت و گسترش بخشند، این ثانین؛

در نهایت امر، سناریوی محتمل بمنظور تغییر در مجموع ستراتیژی واشنگتن در قبال کشور عزیزما، بر حمایت فعال و گسترده از مقاومت موجود ضد "طالب"ها در داخل کشور و فروریختن قهری حاکمیت کنونی در کشور متمرکزی باشد.

اما بیشترین تعداد شهروندان کشورچنین میپندارند که واشنگتن بگونه ای بحفظ و تداوم حاکمیت کنونی در کشورما علاقمند و آماده تحولاتی در داخل رژیم نیز بوده و بدون اینکه در صدد برچیدن برج و باروی نظم حاکم در داخل کشور باشد، خواهان ارتقای جناح های میانه رو "طالب"ها در کشورما بوده تا آنها را با سایر گروه های قومی و سیاسی در کشور متمایل نماید، این ثالثن.

منابعی در داخل کشور عزیزما یاددهانی نموده و تأکید بعمل میآورند که هر سه گزینه یادشده در بالا، عمدتاً و بمفهوم خاص کلمه، بمنظور بازگشت مجدد اما فعال تر ایالات متحده بکشور عزیزما افغانستان و کل منطقه مطمح نظر بوده و در عین حال، آنها معتقدند که واشنگتن برچگونگی تغییر اشکال و شیوه های تسلطش در امر یادشده مبادرت ورزیده و در مجموع، از شیوه های نرم تر، ملایم تر و کم هزینه تر از قبل در زمینه اقدام خواهد نمود. همچنان و با وجود اینهمه، در عوض آنها هم کمک ها و معاونت های اقتصادی و سیاسی خود بدولت جدید در کشورما، خدمات و آرزومند ی متقابل مورد نظر را از جانب مقابل تقاضاً و مطالبه خواهد نمود.

ناظران و دست اندرکاران مسایل مطرح کشور عزیزما چنین می پندارند که مقامات موجود در کابل فقط و فقط در امر مبارزه با "دولت اسلامی" کنار خواهند آمد.

این واقعیت نیز کاملن محتمل بنظر می رسد که دولت برهبری دونالد ترامپ، مدل اکرائینی سلطه و تسلط ایالات متحده را در کشور عزیزما نیز بکارگیرد که بخودی خود و خواهی خواهی بمفهوم نظارت و کنترل واشنگتن بزیر ساخت ها و منابع معدنی کشور ماست. در امتداد سال ۱۳۹۶ خورشیدی، چند سال قبل از برچیدن بساط حاکمیت برهبری اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان با مقامات واشنگتن بامضای توافقنامه ای مبادرت ورزید که بر بر مبنای آن، فلزات کمیاب و سایر مواد معدنی در کشور، در اختیار و نظارت ایالات متحده قرار داده شد.

با قدرت رسیدن "طالب"ها، توافقنامه یادشده بحالت تعلیق درآمد. اکنون و در شرایط و وضعیت کنونی، این امکان نیز موجود می باشد تا دولت برهبری ترامپ در ایالات متحده با متقاعد نمودن "طالب"ها در کابل، سعی نموده و تلاش بعمل خواهد آورد تا موافقتنامه یادشده احیاً گردد کاین خود بمفهوم رسمی سازی و وجهه قانونی قابل گردیدن بیک مدل استعمار جدیدی از حکومتداری در کشورما خواهد بود. بگمان اغلب، در امتداد چند ماه آینده، اهداف ستراتیژیک و مسیر جدید ایالات متحده در قبال کشورما واضح و مبرهن گردد.

عادی سازی تدریجی از جمله بشرطی امکان پذیر پنداشته می شود کآگر حاکمیت کنونی در کشور امتیازات خاصی خاصی داده، به معیارهای بین المللی پایبند باشند، با مشارکت منطقوی و افزایش همکاری و همنوایی با جامعه بین المللی، اصل برسمیت شناختن تدریجی حاکمیت کنونی در کشور امکان پذیر می باشد. اما تحرکات منطقوی و افزایش

نفوذ و اثرگذاری کشورهای همجوار بر وضعیت کشور عزیزما، ممکن بایجاد و شکل گیری مشکلات جدیدی برای امنیت و ثبات در منطقه منجر گردد.

در نهایت امر و بمثابه نتیجه گیری میتوان متذکر گردید کآیا باید بمنظور حفظ وضعیت موجود در کشور همت گماشت؟ در شرایط کنونی، "طالب"ها با معضلات و مقاومت های داخلی مواجه می باشند. از نقش کشورهای همجوار بر اوضاع عمومی کشور عزیزما نیز نباید چشم پوشی بعمل آید. جامعه بین المللی بارانه کمک های بشردوستانه ادامه خواهد داد، اما تاکنون هم حاکمیت موجود در کشورما را برسمیت نشناخته و از جانب دیگر، تشدید درگیری ها و وقوع خشونت های جدید و فعال شدن گروه ها و دسته بندی های مسلح مختلفی نیز از امکان بعید بنظر نمی رسد که بگونه بالقوه حتا می تواند سبب سازی ثباتی و ناآرامی هایی در منطقه نیز گردد. در مجموع می توان پرسشی راباین شرح مطرح نمود کآیا ستراتیژیست های امریکایی در امر حفظ ثبات در کشور عزیزما، جلوگیری از گسترش تروریسم و قا چاق مواد مخدر و ارانه کمک های بشردوستانه به شهروندان میهن عزیزما صادق و وفادار خواهند بود؟ چگونگی سیر حوادث کنونی کشور عزیزما، بازگوی واقعیت های ناگفته خواهد بود.